تکمیلی

تلفیق علم و تجربه همکاری مادر - دختری

فریده عاطف ۳۲ ساله است، دختر پنجم خانم عصمت‌پناه؛ دختری که برگ برگ خاطراتش از مادر گره خورده به کار و تلاشی بی‌وقفه؛ آن‌قدر که به ما بگوید: «از وقتی یادم می‌آید مادرم ۵ صبح از خواب بیدار می‌شد و ۱۲ شب می‌خوابید؛ یعنی اولین نفری بود که بیدار می‌شد و آخرین نفر چشم‌هایش را می‌بست و در این فاصله مدام در تلاش بود و کار می‌کرد، به‌خاطر این همه کار هم الان از نظر جسمی مشکلات زیادی دارد، اما به روی خودش نمی‌آورد، مثلا هر دو دستش آرتروز شدید دارد در قدیم که دستگاه شیردوشی نبود با دست شیرگاوها را می‌دوشید.»

فریده از مادر خاطره زیاد دارد، اما وقتی یاد روزهایی می‌افتد که مادرش بدون داشتن گواهینامه رانندگی برای جمع کردن شیر به میان دامداران می‌رفت، می‌خندد و می‌گوید: «الان هم باورش برای ما عجیب است چطور مادر این کار را انجام می‌داد، چون یك مسیر ساده نبود، همه جا کوه و کمر بود و واقعا خدا با ما بود که مادر این مسیرها را به سرانجام می‌رساند.»

فریده حالا یکی از همراهان مادر در کسب و کاری است که راه انداخته، یك همکاری مادر - دختری خوب که به پیشنهاد خود خانم عصمت‌پناه شکل گرفته است: «من قبلا لیسانس جهانگردی داشتم اما چون کار نداشتم، مادرم پیشنهاد کرد با او همکاری کنم برای رسیدن به این هدف هم شهریه دانشگاهم را داد و من این دفعه در رشته دامپزشکی درس خواندم و الان یك جورهایی سعی می‌کنیم با علم و تجربه در کنار هم امورات گاوداری را بچرخانیم.»

چه خبر از وزارت گردشگری، میراث فرهنگی و صنایع‌دستی؟

حدود دو هفته می‌گذرد از زمانی که کدخدایی، سخنگوی شورای نگهبان اعلام کرد مصوبه مجلس درباره تشکیل وزارت میراث فرهنگی و گردشگری، مغایر شرع و قانون اساسی شناخته نشده و تایید شده است. در این مدت سازمان میراث فرهنگی و مدیران آن سکوت کرده و هیچ واکنشی از سوی آنها شنیده و دیده نشده است. این باعث شد تا این فرضیه قوت گیرد که سازمان میراث فرهنگی چندان موافق وزارتخانه شدن این سازمان نباشد! آخرین خبر از این حوزه اما برمی‌گردد به مجلس و اظهارنظر پروانه سلحشوری، نماینده تهران که به صدای میراث گفته نمایندگان مجلس در حال احصاء ویژگی‌ها و مشخصات یك وزیر کارآمد برای وزارتخانه مذکور هستند. سلحشوری گفته نمایندگان مصمم هستند از همین ابتدای کار انتخاب وزیر میراث فرهنگی متفاوت از روال معمول باشد؛ یعنی انتخابی نه بر اساس لابی‌های سیاسی رایج، بلکه براساس شاخص‌های مدیریتی، توانمندی، تجربه و آشنایی با حوزه‌های میراث‌فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری.

بازدید معاون رئیس‌جمهور در امور زنان و خانواده از گاوداری عزت عصمت‌پناه کارآفرین توتکانلویی

کارآفرینی با عزت

بانوی بروجردی که روزی برای خرید اولین دام خود هم پول نداشت حالا به فکر راه‌اندازی یک دامداری صنعتی است

منهای نفت
با تولیدکنندگان صنایع‌دستی و کارآفرینان

عصمت‌پناه که کارش را از جمع‌آوری شیر از دامداری‌ها برای کارخانه های لبنی شروع کرد و امروز صاحب یک گاوداری است در آرزوی راه‌اندازی یک گاوداری صنعتی و افزایش اشتغال‌زایی در منطقه است

مینا مولایی
ایران

عزت عصمت‌پناه، تسلیم نمی‌شود! مشکلات ریز و درشت زندگی پا به پایش می‌آیند، همه جا دنبالش هستند، او اما یك تنه ایستاده مقابل همه مشکلات و حالا کارآفرینی است که با دستی پر، مقابل معاون رئیس‌جمهور در امور زنان خانواده می‌نشیند و از مسیری می‌گوید که در این سال‌ها طی کرده؛ مسیری سخت که او را از یك مددجوی کمیته امداد به یك کارآفرین نمونه تبدیل کرده است؛ کارآفرینی که میزبان معصومه ابتکار در مجتمع سنتی دامپروری‌اش شده و به خاطر تلاش‌هایش برای خودکفایی و ایجاد اشتغال مورد قدردانی معاونت امور زنان دولت هم قرار گرفته است.

عزت عصمت‌پناه متولد ۱۳۳۶ است؛ در ۱۶ سالگی ازدواج کرده و زندگی روی سختش را از سال‌های اول ازدواج به او نشان داده، از وقتی که همسرش بر اثر یك اتفاق به زندان رفته و او به تکاپو افتاده که جریمه ده میلیون ریالی همسرش را بپردازد؛ ماجرایی که درباره‌اش می‌گوید: «آن موقع برای شوهرم یك حبس پنج ساله بریدند و پذیرفتن این موضوع برای من خیلی سخت بود، به خاطر همین به امام رضا(ع) متوسل شدم و از او خواستم اگر همسرم بی‌گناه است، راه نجاتی برایش پیدا شود، اگر مقصر است دوره حبسش را بکشد و تاوان گناهش را پس بدهد. آن موقع نذر کردم اگر همسرم آزاد شد با هم پیاده به زیارت امام رضا برویم که خوشبختانه نذرآزادی من قبول شد و من و همسرم با یك کوله پشتی و یك فانوس پیاده به سمت مشهد راه افتادیم.»

از این خاطره هرقدر هم که گذشته باشد شیرینی‌اش هنوز با اوست؛ اتفاقی که او را به فکر انداخت برای حل مشکلات اقتصادی خانواده‌اش چاره‌ای بیندیشد: «آن موقع اولین گزینه‌ای که برای کمك به ذهنم رسید کمیته امداد بود، اما با درخواست وامم موافقت نشد اما من ناامید نشدم و این‌بار همسرم را برای دریافت وام فرستادم که با درخواست او موافقت کردند.»

شروع کار با وام کمیته امداد

برای عزت عصمت‌پناه وام ۷ میلیون تومانی کمیته امداد، نقطه آغاز یك راه دور و دراز بود، راهی که او را به امروز رسانده است: «اینجا در توتکانلو بیشتر مردم دامدار هستند، من هم با این وام یك گاو خریدم و با تلاش زیاد، یکی را دوتا کردم و الان یك راس گاو را به ۳۰ راس رسانده ام، البته خیلی‌ها را هم به‌خاطر این‌که به کارم رونق بدهم و مشکلاتم را حل کنم فروختم و شاید الان اگر همه آنها را نمی‌فروختم حدود ۲۰۰ راس گاو داشتم.»

او البته در این مسیر علاوه بر گاوداری برای کسب روزی حلال، کارهای دیگری را هم تجربه کرده؛ از راه‌اندازی مغازه خواربار فروشی نزدیك یك مدرسه گرفته تا جمع‌آوری شیر در منطقه: «بعد از وام اولیه‌ای که از کمیته امداد گرفتم برای توسعه کارم چندسال بعد دوباره درخواست وام دادم و این دفعه ۲۰ میلیون تومان به من وام دادند که واقعا کمك بزرگی بود مخصوصا که همسرم به خاطر سکته‌های مکرر از کارافتاده شده بود و من به تنهایی باید همه امور را اداره می‌کردم. همین زمان بود که یکی از اقوام مان پیشنهاد داد همزمان با گاوداری در جمع‌آوری شیر و تحویل آن به کارخانه‌های لبنی فعالیت کنم. آن موقع به نظرم شروع این‌کار خیلی سخت بود چون یك زن بودم و فکر می‌کردم کسی به من اعتماد نمی‌کند، از طرف دیگر وسیله نقلیه‌ای هم برای شروع کارم نداشتم، اما با توکل به خدا این کار را هم شروع کردم.»

این بانوی سختکوش از همان زمان شد راننده یك نیسان آبی رنگ جمع‌آوری شیر؛ زنی که به تنهایی به منزل دامداران مراجعه می‌کرد و شیر تولیدی دام آنها را جمع‌آوری می‌کرد، کاری که با سه کیلو شیر در روز شروع کرد و حالا به جمع‌آوری ۲ تا ۳ تن شیر در روز در جایگاه جمع‌آوری شیری که به نامش ثبت شده رسیده است؛ او حالا سه راننده برای جمع‌آوری شیر دارد و دیگر خودش پشت فرمان نمی‌نشیند: «اوایل که رانندگی می‌کردم گواهینامه نداشتم، رانندگی را هم در دوره‌ای که شوهرم راننده مینی بوس مردم بود یاد گرفته بودم. هروقت او مینی بوس را به خانه می‌آورد من هم برای تمرین پشت فرمان می‌نشستم، اما خودمان هیچ‌وقت وسیله نداشتیم تا این‌که برای جمع‌آوری شیر اقدام کردم و نیسان خریدم و تا مدتی بدون گواهینامه رانندگی می‌کردم، اما به‌خاطر خطراتی که پیش رویم وجود داشت، از سال ۹۰ پیگیر دریافت گواهینامه شدم و بالاخره گواهینامه هم گرفتم. الان هم روزانه حدود سه‌تن شیر جمع می‌کنم که از این مقدار ۲۰۰ کیلوگرم شیر تولیدی دامداری خودم است.»

حمایت‌های تشویق‌کننده

با عزت عصمت‌پناه همکلام که بشوید، اولین چیزی که نظرتان را جلب می‌کند، اراده قوی و امیدی است که برگ برنده او در عبور از مسیر پرپیچ و خم زندگی‌اش بوده؛ مشکلاتی که هنوز هم از خاطرش نرفته‌اند: «من سختی زیاد کشیدم، اما هیچ‌وقت ناامید نشدم، تحمل کردم، شب‌هایی بود که ما نان برای خوردن نداشتیم، من با هفت تا بچه و یك شوهر مریض باید خودم می‌رفتم دنبال کارها. اما هیچ‌وقت خسته نشدم و دست از تلاش برنداشتم.»

با این حال، این مسیر سخت را او بدون حمایت هم نگذرانده؛ حمایت‌هایی که زمینه فعالیت و خودکفایی امروز او را فراهم کرده‌اند: «من با سختی‌های زیادی روبه‌رو می‌شدم، اما همان‌قدر که سنگ‌های جلوی پایم ناامید کننده بودند، حمایت‌هایی که از طرف نهادهای مختلف می‌شد انگیزه بیشتری به من می‌داد. برای مثال یادم هست یك بار برای گرفتن امتیاز برق به مرکز استانمان مراجعه کردم، آن موقع آن‌قدر شرایط مالی سختی داشتم که حتی پول نداشتم به توتکانلو برگردم. اما رئیس وقت اداره برق وقتی از شرایطم باخبر شد، در کمال احترام مبلغی پول را داخل پاکت گذاشت و من را راهی کرد. من این مبلغ را بعد از خودکفا شدن و رفع مشکلات مالی ام با یك دنیا تشکر به او برگرداندم. البته در این مسیر جهاد کشاورزی هم به من خیلی کمك کرد، درهمه امور اگر مجوزی لازم داشتم با مساعدت زیاد به من این مجوز را پرداخت، مثلا پروانه گاوداری دادند، پروانه جمع‌آوری شیر دادند، مجوز حفر چاه گرفتم و...»

حمایت‌هایی که باعث شدند او حالا زمینه اشتغال شش نفر دیگر را فراهم کند و با این حال رویاهای بزرگ‌تری در سر داشته باشد: «تصمیم گرفته‌ام یك دامداری صنعتی راه‌اندازی کنم. در حال حاضر هم موفق به گرفتن پروانه و مجوز آن شده‌ام و منتظر تسهیلات ۴۰ میلیارد ریالی از جهاد کشاورزی‌ام تا کار ساخت مجتمع دامپروری را شروع کنم.»

دیدار با معاون امور زنان و خانواده

همین چند هفته پیش بود که معصومه ابتکار در سفری که به خراسان شمالی و شهرستان فاروج داشت به توتکانلو هم رسید و با بازدید از گاوداری کوچك عزت عصمت پناه پای حرف‌های او نشست و او صحبت از زحماتش برای خودکفایی و اشتغال‌زایی در منطقه کرد. عصمت پناه درباره این دیدار می‌گوید: «من از شرایط زندگی‌ام گفتم، از سختی‌هایی که کشیده بودم از همراهی‌هایی که داشتم از مشکلاتی که سرراهم بود از این‌که الان شش نفر را بیمه کرده‌ام. بعد هم به این نکته اشاره کردم که می‌توانم کارم را گسترش بدهم و برای افراد بیشتری فرصت اشتغال به‌وجود بیاورم. به همین دلیل از خانم ابتکار خواستم برای تحقق هدفم در راه‌اندازی مجتمع صنعتی دامپروری مساعدت کند تا مرحله جدیدی از کارآفرینی و اشتغال‌زایی را در منطقه شروع کنم.»

باشد که خداوند حافظ میراث جهانی‌مان باشد!

فاطمه مرادزاده
ایران

هفته گذشته برای فعالان محیط‌زیست سراسر کشور و میراث دوستان، هفته تلخی بود؛ هفته‌ای که با اخباری چون درگذشت پدر طبیعت ایران و ممنوع‌الورود کردن یکی از فعالان محیط‌زیست به مناطق چهارگانه حفاظت شده محیط‌زیست شروع شد و آخر هفته یعنی پنجشنبه ختم شد به آتش گرفتن بخشی از جنگل‌های ثبت جهانی شده هیرکانی. جنگل‌های چندین میلیون ساله‌ای که یادگار عصر یخبندان است و چند سال تلاش شد تا موانع ثبت جهانی اش برطرف شود و نظر مثبت بازرسان یونسکو را برای ثبت در فهرست بهترین‌های جهان جلب کند. و این اتفاق همین ماه گذشته افتاد تا بلکه خود عاملی باشد برای حفاظت بهتر از جنگل‌های هیرکانی که طی ۴۰ سال گذشته، از حدود سه میلیون هکتار به یك ونیم میلیون هکتار کاهش یافته‌اند.

این‌بار آتش در دل منطقه حفاظت شده جهان نما در استان گلستان زبانه کشید و راستش من اصلا تعجب نکردم از شنیدن خبرش، نه از آن جهت که هر روزه شاهد شنیدن خبری از آتش سوزی در جنگل‌های ایران و دود و خاکستر شدن آنها هستیم، از آن روی که مطمئنم تقریبا دلسوزی برای این طبیعت میان مسؤولان و متولیان وجود ندارد. شاید هم وجود دارد ولی همه آن‌قدر دغدغه و مشغله دارند که گویا به حفظ این ذخایر طبیعی و حتی ثبت جهانی شده نمی‌رسد. این شاید ادعای گزافی باشد، اما اگر شما هم در یك نشست خبری که به مناسبت گرامیداشت ثبت جهانی جنگل‌های هیرکانی و با حضور استانداران استان‌های دارای جنگل‌های هیرکانی و مدیران میراث فرهنگی استان‌ها برگزار شده بود، شرکت کرده بودید و از یکی از همین مدیران می‌شنیدید که در پایان سخنانش دعا می‌کند «ان‌شاءا... خداوند میراث فرهنگی و جهانی ما را حفظ کند» یا مدیری در پاسخ به این پرسش که وضعیت حفاظت از فلان بنای تاریخی در حال تخریب چه شد، می‌گوید این مساله سیاسی است به آن ورود نکنید و مدیر و استاندار دیگری هم از نبود و کمبود بودجه و اعتبار گلایه می‌کند، دیگر جای شکی برایتان باقی نمی‌ماند که این میراث به امان خدا رها شده یا دست‌کم جزو آخرین دغدغه مسؤولان و متولیان کشور است.

در آتش‌سوزی جنگل‌های ثبت جهانی شده منطقه حفاظت شده جهان‌نمای گرگان هم که چند ساعت طول کشید، آتش نه با امکانات مجهز که با دست‌های خالی و چوب و برگ خاموش شد. این را محیط‌بانی گفته که در جریان آتش سوزی حضور داشته است. آتش سه هکتار از اراضی این منطقه شامل ۱۵ اصله درخت اورس، ۳۰ اصله درختچه زرشك، گونه‌های گون، پیرو و سایر گونه‌های ارزشمند مرتعی را در کام کشیده و خاکستر کرده است. سه هکتاری که هر روز ممکن است تکرار شود و طی دو تا سه دهه آینده تمام ۱/۵ میلیون هکتار جنگل هیرکانی باقی مانده را در بر بگیرد و نیست و نابود کند. شاید هم مسؤولان امیدوارند با ثبت جهانی جنگل‌های هیرکانی، کمك‌های جهانی به داد جنگل‌های ارزشمند منطقه برسد؛ کمك‌هایی که دست‌کم یك بالگرد و خلبان مخصوص برای اطفای حریق در هر استان داشته باشد؛ همان تجهیزاتی که خودمان در ۴۰ سال گذشته نتوانستیم برای این جنگل‌ها فراهم کنیم.

طراح: بیژن گورانی

جدول شماره ۵۴۵۹

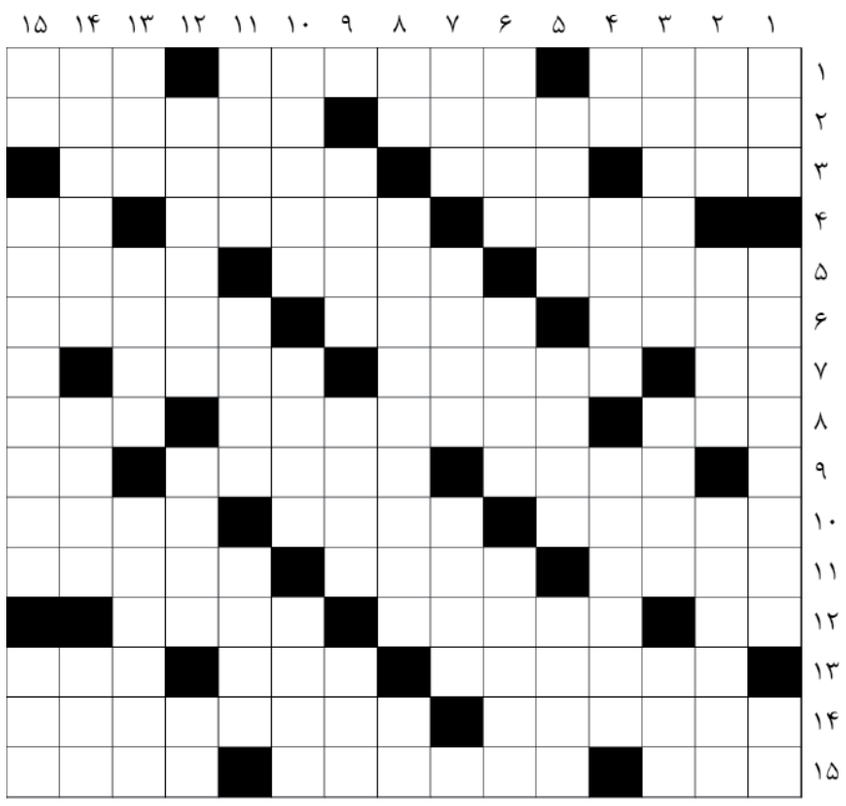

افقی: ۱) چوب‌تراش- کهنه و فرسوده- سیاره کیوان ۲) برنامه صبح‌گاهی شبکه آموزش سیما- مردی که به حج رفته ۳) لطف- شیمی کربن- نوعی ماهی استخوانی خوراکی ۴) نامه کوتاه- سر نوشته- گرداگرد دهان ۵) خمیده- وسط- پهنه وسیع آبی ۶) تیرانداز- دارای تشدید- نوعی ماده رنگی برای نقاشی ۷) چه کسی- غذای مشهور اردبیل- عنوان هر یك از پادشاهان ساسانی ۸) نیك‌بختی- بشقاب لب تخت- کارگاه عکاسی ۹) صدای باران- منسوب به یمن- مذکر ۱۰) گلن گدن- واحدی برای اندازه‌گیری مساحت زمین- چندتا بودن ۱۱) تعظیم- آخرین- از اجرام آسمانی ۱۲) بله آلمانی- روحانی یهودی- از نام‌های پیامبر اسلام(ص) ۱۳) شبیه بودن- سرنوشت- خاطر ۱۴) متدین- بنایی باشکوه در میدان نقش جهان اصفهان ۱۵) فام- رابطه تساوی دو عبارت جبری- کنایه.

عمودی: ۱) دشمن- فاقد نظم و قانون و قاعده- مروارید ۲) خاخام- سرزنش‌کننده- شهر برج علاءالدوله ۳) حرمت داشتن- آرم- درجه خلوص فلزات ۴) پیمودن- باز شیمیایی- مسخره کردن ۵) دعاکننده- از آفات نباتی- استانی در هند ۶- قسمت استوانه‌ای چاه- اداره‌کننده- اختراع‌کننده ۷) بسیار بد و ناگوار- آشفته و پریشان- برنا ۸) نشانه صفت تفضیلی- جوانه‌های ولایت در این روز عاشقانه سر برکشیدند- شمردن ۹) شیرینی‌فروش- قصه‌گو- بحث و گفت‌وگو ۱۰) اندوهگین- دوست خواندنی- دلیل‌ها ۱۱) خواب کودکانه- آخرین- غذای روزه‌داران در سحر ۱۲) هر موجود زنده- پدر مرده- شهر مدفن پروین اعتصامی ۱۳) پدر رستم- ونیز برزیل- صدمین سوره قرآن کریم ۱۴) درستی عقیده- رعد- سیب انگلیسی ۱۵) نت ششم- کهنسال- وسیله نخ‌ریسی.

جدول ویژه

افقی: ۱) ماده شیمیایی برای جلا دادن سطوح- موثر- از فروع دین ۲) گوشه‌ای در دستگاه نوا- آخرین دوره از دوران سنوزوئیك زمین شناسی ۳) درخت افکن- عوض- همسایگی ۴) شلوار- رویاروی- ضربه سر در فوتبال ۵) نظم بخشی- فرزند یاسر و سمیه- بی‌توجه ۶) پرورش‌دهنده- پاکدامنی- مهم‌ترین محصول صادراتی کوبا ۷) بله روسی- پیامبری که نامش دوبار در قرآن آمده- چرخ نخ‌ریسی ۸) چاشنی غذایی- گوشه‌ای در دستگاه ماهور- هستی و وجود ۹) پرتو- وسیله‌ای برای جلوگیری از افتادن کتاب‌ها در قفسه- بسیار خوب ۱۰) شناکردن- مالی که در قبال آزادی کسی پرداخت شود- معبد یهودیان ۱۱) نام قائم منتظر(عج)- نابودشونده- بوته خربزه ۱۲) درون صدف- کامیون حمل مایعات- کلیسای قدیمی اصفهان ۱۳) سوره هفتاد و هفتم- وسیله شالی‌کوبی- سحاب ۱۴) پلیمر بسته‌بندی- وزیر بهرام گور ۱۵) فنی در کشتی- رئیس ده فراش قاجار- قطار زیرزمینی.

عمودی: ۱) زراعت- خوش‌یمنی و بدیمنی- برج فرانسه ۲) بیهوده- نقطه‌های ریز عکس- نوعی پارچه ابریشمی رنگارنگ ۳) جانشین کیخسرو- قطب منفی باتری- سنگریزه ۴) چهره- افزون‌شونده- غذایی از مرغ آغشته به آرد سوخاری ۵) از صنایع ادبی- دعاکننده- گردنکش ۶) پیرابند- قلمرو- مردانه نیست ۷) طایفه- پاکدامن- نمونه تاریخی ۸) شهر مدفن ستارخان- کتابی نوشته محمدرضا حکیمی با موضوع غدیر خم- نشانه مفعولی ۹) اضافه شده- قهرمان تروا- کوره ۱۰) دور افتاده- پول قزاقستان- ناحیه‌ای در شمال شرقی ایتالیا ۱۱) سرگیجه- احسان- نوعی نان حجیم ۱۲) سال پنجم ترکی- استوار- پایتخت ایتالیا ۱۳) شاخه‌ای از دریا- مخزن گلوله- اصطلاحی در بوکس ۱۴) نابود شده- حلقه توزیع بار پیچ و مهره- آدمی ۱۵) رودی در فرانسه- طرفداران و هواداران شخص- خودروی فرانسوی.

حل جدول عادی شماره ۵۴۵۸

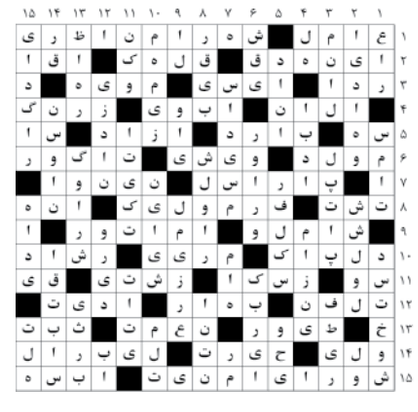
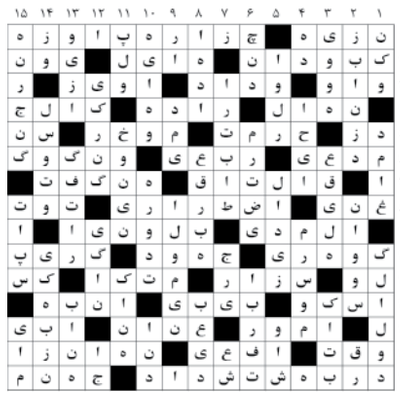
حل جدول ویژه شماره ۵۴۵۸